



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



فرستنده: وطن دوست

نویسنده عارف عرفان

لندن مارچ ۲۰۱۹

تاریخ 25.3.2019

گرچه از سبک نوشته و لغات که در آن استفاده شده، خوشم نیاید، زیرا از سبک و بعضاً از لغات ایرانیستانی استفاده شده است، اما با محتوی آن صد در صد موافقم. چون به آذان ملای فقیر کسی نماز نمی خواند، چیزیکه من به آن عقیده دارم، از قلم نویسندگان امریکائی درین مقاله نقل قول شده است. از همین لحاظ مقاله را جهت خواندن دوستان به سایت ملی ما فرستادم. امید که روشنفکران عزیز ما در تمام این گیر و دار جلسات صلح با طالبان، زوایای را که درین مقاله تشریح شده است، نیز در تحلیل های خود مد نظر بگیرند.

## تجدید اشغال افغانستان بوسیله امریکا

آرایش گفتمان صلح میان امریکا و طالبان، اساساً برای تجدید اشغال افغانستان بدست امریکا و در کسوت نوین طراحی گردیده است.

سریت و محریمیت این مذاکرات میان زلمی خلیل زاد نماینده امریکا و طالبان در غیاب دولت و مردم افغانستان در عقب در های بسته، در بیرون از ماورای افغانستان و در کشور قطر، جز برتابنده بازی های شیطنت آمیز در خط منافع استراتژیک امریکا و پاکستان در افغانستان چیزی دیگری نمیتواند تلقی گردد.

پرواضح است که در این بازی ها، طالبان به مثابه مهره های شطرنج در نقش ترجمان امریکا و پاکستان برای زینت بخشی این گفتمان و تمثیل پروژه های اسارتبار امریکایی نقش ایفا میدارند. در واقع این گفتمان، نمایشی از یک سناریوی استراتژیک است که در تبتانی بزرگ میان امریکا و پاکستان در واشنگتن-اسلام آباد تدوین شده است و تنها بخاطر مشروعیت بخشیدن این سناریو و تسهیل و تداوم اشغال و گم ساختن پل پای اشغالگران، این گفتمان عوام فریبانه براه افتاده است، تا امریکا در چهره جدید در افغانستان حضورش را تداوم بخشیده و در امتداد آن به اهداف کلان راهبردی نایل گردد.

این مساله قابل درک است که مرکز اصلی مذاکرات صلح میان امریکا و طالبان نه قطر بل واشنگتن و اسلام آباد است. مجموع شواهد در چهره مذاکرات سیاسی میان طالبان و امریکا راوی توافق نهایی میان پاکستان و امریکا بوده و این پروژه در ساختار دولت موقت برای تداوم سناریوی اشغال مجدد افغانستان توسط امریکا، جلوه خواهد یافت.

امریکایی ها مستدام از هزینه 1.3 تریلیون دالر در جنگ افغانستان سخن می گویند، اما در واقع جنگ افغانستان نخستین جنگ تاریخ امریکا است که هیچ هزینه مادی را بدوش پنتاگون حمل نمی دارد. برحسب منابع معتبر، تنها عواید امریکا در افغانستان از درک تجارت هیرویین، سالانه به بیش از ۲۵۰ میلیارد دالر بالغ میگردد. تاراج عناصر پر بهای معدنی بویژه معادن اورانیوم و لیتیوم در هلمند، نه تنها هزینه بردار مجموع مصارفات امریکا در افغانستان بوده بل بزرگترین عواید باد آورده را وارد خزانه امریکا میسازد. برقول شاهدان عینی روزانه ۳۰۰ لاری برای بارگیری و انتقال مواد معدنی معادن اورانیوم و لیتیوم هلمند الا میدان هوایی آنجا که بشکل مدرن آن توسط امریکا اعمار شده است، بکار گرفته میشود.

براساس اطلاعات اخیر، در افغانستان ۱۴۰۰ معدن به طور رسمی به ثبت رسیده است، در حالیکه بر اساس

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

گزارشات، امریکا توسط سیستم های پیشرفته دو برابر این رقم را تا حال در افغانستان کشف نموده است. با این چشم انداز روشن امریکا در تلاش است تا افغانستان را به اشغال دائمی در آورده و اینبار صورت خویش را نه از گریبان دموکراسی بل از کسوت افراطیت به نمایش گذاشته و افغانستان را به عصر جاهلیت و بربریت در وجود لشکر نیابتی پاکستان یعنی طالبان برگردانیده و اهداف راهبردی اش را دنبال نماید.

آگاهان جهان کماکان رخدادهای سیاسی افغانستان را مورد توجه قرار داده و دیدگاه شان را پیرامون مذاکرات صلح نماینده امریکا زلمی خلیلزاد و نمایندگان طالبان در قطر متمرکز ساخته و نگرانی های شان را از پروسه گفتن سیاسی بازتاب می دهند.

وبگاه معتبر گلوبال ریسرچ این انکشافات را تحت عنوان «مذاکرات امریکا- طالبان، اشغال افغانستان بوسیله امریکا را تجدید مینماید» مورد کنکاش قرار داده خاطر نشان میدارد: [1] این "پروژه صلح" که برای هفته ها به طول انجامیده است، هیچ تضمینی وجود ندارد که مذاکرات ایالات متحده و طالبان به نتیجه دلخواه برای مردم افغانستان به پایان برسد.

تاریخ به مامی آموزاند که چنین مذاکرات نمادین با سخنان دروغین ما را به جنگ و بحران دیگر غوطه ور ساخته است. برعکس این مذاکرات بطور خصوصی میان ایالات متحده و طالبان است که بصورت قطع نگرانی واقعی مردم افغانستان را بازتاب نمی دهد.

با توجه به این واقعیت، صلح آسان نخواهد بود. اکنون ما، در هفته سوم مذاکرات صلح قلابی میان ایالات متحده و طالبان بدون هیچگونه دستاورد اساسی وارد شده ایم. این بیشتر شبیه یک ماشین تبلیغاتی آمریکایی است که "امید های بی پایه" را در میان افغانها ایجاد نموده است. این نمایش در واقع تلاشی برای اقناع مردم امریکا که گویا ما جنگ را برای طالبان نباخته ایم، میباشد.

نویسنده این مقاله بر رویکرد عوامفریبانه امریکا و گشایش جاده اشغال مجدد افغانستان تمرکز نموده مینگارد: "در میان مذاکرات صلح، به عنوان نزدیکترین ناظر، من میتوانم شاهد افزایش خوش بینی و فریبندگی در رابطه با ایالات متحده در میان بسیاری از شهروندان افغانستان که همراه شده اند و نمیدانند که واقعیت های ناگسستی در مورد جنگ ایالات متحده و ناتو در افغانستان وجود دارد، باشم. در این راستا این تبلیغات بخاطری راه اندازی میگردد. تاثیرات و "زندگی جدید" را برای "اشغال" مجدد افغانستان بوجود آورند.

آنچه که مردم خسته افغانستان از مذاکرات دوحه انتظار دارند عبارت از برقراری آتش بس معقول و دائمی و برقراری صلح برای پایان قتل و کشتار در افغانستان است.

آنچه که رسانه های غربی بر آن تمرکز مینمایند عبارت از طرح پیشنهادی امریکا برای خروج نیروهایش برای مدت پنج سال از افغانستان است. اما طالبان اصرار دارند که طی دوران یک سال این خروج نهایی گردد. واقعیت این است که حتی اگر خروج سربازان امریکایی آغاز گردد، این هرگز یک برنامه تمام عیار و نهایی نخواهد بود".

نویسنده بعد خارجی راهکار های فریبنده امریکا را مورد کنکاش قرار داده خاطر نشان میدارد: "این کمپاین همراه کننده به رهبری ایالات متحده همچنین رهبران بین المللی و ملی در جنگ افغانستان را هدف قرار میدهد. ایالات متحده باید بگونه ای کار کند تا حمایت اتحادیه اروپا از جنگ در افغانستان را حفظ کند، زیرا آنها با توجه به هزینه های مربوط به استقرار نیروهای خود در افغانستان، از مساله طالبان خسته شده اند. تنش ایالات متحده و اروپا، رقابت چین و امریکا، رقابت هند و پاکستان، خصومت ایران و ایالات متحده، دشمنی اسرائیل و ایران، ارتقای وهابیت، مسابقه تسلیحاتی ایالات متحده و روسیه و بسیاری از اختلافات بیشتر بر افغانستان تاثیر بسزایی دارند لذا آنها باید یک مرکز ژئوپلیتیک را در آسیای مرکزی تشکیل دهند".

در این مقاله در خصوص اهداف راهبردی امریکا و رویکرد سیاسی واشنگتن نظر اندازی گردیده اذعان میگردد:

واشنگتن در حال حاضر برای ادغام طالبان در پایگاه قدرت افغانستان تلاش میکند تا نشان دهد که جنگ افغانستان را نه به وسیله نظامی بلکه از طریق کانال های دیپلماتیک برده است. از سوی دیگر با ادغام گروه ستیزه جویان در ساختار "حکومت دست نشانده" در تلاش است تا برای محافظت از منافع استراتژیک خود، جنگ دیگری را بطور مشترک علیه القاعده وداعش راه اندازی نماید".

همچنان در یک مقاله دیگر در پایگاه گلوبال ریسرچ رخدادهای جاری افغانستان و ماهیت اصلی مذاکرات امریکا

باطالبان تحت عنوان «مذاکرات ایالات متحده و طالبان پیشرفت واقعی یا توهمی و خیال برانگیز؟ ثروت معدنی چند میلیارد دالری افغانستان» مورد بررسی قرار گرفته خاطر نشان میگردد: "ایالات متحده به افغانستان آمده است، تا در این کشور باقی بماند نه اینکه این کشور را ترک نماید. امریکا میخواهد تا منابع طبیعی افغانستان را تراج نماید.

آنها [مواد معدنی] به طور بالقوه تریلیون دالر ارزش اقتصادی را احتوا میدارند، گنجی که واشنگتن قصد ندارد آنرا رها نماید. سیاستگذاران ایالات متحده همچنین در تلاش انتقال خطوط لوله نفت و گاز از کشور هستند".

نویسنده این مقاله دلایل علاقمندی امریکا نسبت به افغانستان را مورد پژوهش قرار داده اذعان میدارد: "قلمرو افغانستان به عنوان بخشی از یک طرح بزرگ برای محاصره روسیه و چین استفاده می شود. افغانستان بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان است که برای تولید هرویین مورد استفاده قرار میگیرد. این پول برای پول شویی بانکهای غربی است، «سیا» بر قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم سازمان یافته به عنوان منبع درآمد، متکی میباشد و از این طریق سالانه ده ها میلیارد دالر حاصل میدارد.

چرا ایالات متحده در بالاترین سطوح رسمی که در خصوص تعاملات قاچاق مخدر در گردش است، همدست است؟ نگارنده این مقاله بر ماموریت و کرکتر زلمی خلیلزاد نماینده امریکا تمرکز نموده می نویسد: "زلمی خلیلزاد رسماً سفیر بوش و دیک چنی هنگام اشغال افغانستان و عراق و سپس نماینده سازمان ملل متحد بود. او یک شخص افراط گرا از قطار محافظه کاران نو و مجری برنامه های امپریالیستی واشنگتن و دارای اجندای ضد صلح عدالت و مساوات می باشد".

نویسنده ماجرای گفتن صلح قطر را مورد بررسی قرار داده می نگارد: "در ۲۵ فبروری، مذاکرات صلح میان مقامات طالبان و خلیلزاد در قطر آغاز شد. در صورت رسیدن هرگونه توافق، هیچگونه شانس در جهت منافع مردم رنج دیده افغانستان وجود نخواهد داشت. همچنان در این گفتن هیچگونه چشم اندازی برای پذیرش شکست امریکا و خروج آن از کشور مشابه به خروج افتضاح آمیز آن از ویتنام به میان نخواهد آمد. جمهوری خواهان و دمکرات ها قصد دارند که اشغال دایمی افغانستان را ادامه دهند. هر چیزی که به گونه دیگری در متن به توافق برسد، عملاً توسط مقامات امریکایی نقض خواهد شد".

این است تصویر واقعی از اهداف استراتژی ویرانگر و خونین امریکا که در همدستی با پاکستان، افغانستان را به مرکز سقل بازیهای ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک خود مبدل ساخته و این سناریو در چهره جذاب صلح کذایی جلوه نمایی مینماید. از قراین معلوم است که گام بعدی امریکا تشکیل حکومت موقت در افغانستان است و قرار است این برنامه یا در یک نمایشنامه شعبده بازی توسط عمال امریکا و یا کودتای نظامی پیاده گردد. برای نجات وطن چه باید کرد؟ برپایی رستاخیز ملی؛!

با احترامات بی پایان

عارف عرفان

لندن مارچ ۲۰۱۹

منابع:

[1] Globalreaserch, The US-Taliban Talks Are "Renewing" the US Occupation of Afghanistan. 16 march 2019

[2] Global, US-Taliban Talks: Real or Illusory Progress? Afghanistan's Multibillion Dollar Mineral Wealth, 15 March 2019